

اصول اخلاقی مسئولان جامعه از دیدگاه نهج البلاغه

کیمیا امیری^۱

چکیده

اخلاق، رکن اساسی در نظام فکری اسلام و عامل پایداری جوامع انسانی است. در روزگار کنونی که بحران‌های اخلاقی در عرصه سیاست و مدیریت گسترش یافته است، بازخوانی منابع اصیل دینی به‌ویژه نهج‌البلاغه ضرورت می‌یابد. مسئله‌ی اصلی پژوهش حاضر، تبیین اصول اخلاقی مسئولان جامعه از دیدگاه امام علی(ع) است؛ اصولی که می‌توانند مبنای نظری اخلاق حکمرانی اسلامی در عصر حاضر قرار گیرند.

این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و بر پایه‌ی تحلیل محتوای نهج‌البلاغه و منابع تفسیری و اخلاقی مرتبط انجام شده است. در گردآوری داده‌ها، به آثار معتبر تفسیری و پژوهش‌های معاصر در حوزه اخلاق حکمرانی مراجعه گردید. هدف پژوهش، استخراج و نظام‌مندسازی اصول اخلاقی حاکمان در اندیشه امام علی(ع) و بررسی کارکرد آن‌ها در نظام مدیریتی معاصر است.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که از دیدگاه امام علی(ع)، اخلاق نه جنبه‌ای ثانویه بلکه اساس مشروعیت و عدالت در حکومت است. ده اصل بنیادین شامل تقوا، عدالت، اخلاص، صداقت، امانت‌داری، تواضع، خیرخواهی، زهد، حلم و شکرگزاری، چارچوب کامل اخلاق مسئولیت را در نهج‌البلاغه تشکیل می‌دهند. رعایت این اصول می‌تواند به استقرار عدالت، اعتماد عمومی، سلامت اداری و رشد معنوی جامعه بینجامد.

کلیدواژه‌ها: نهج‌البلاغه، اخلاق مسئولان، امام علی(ع)، عدالت، تقوا.

^۱ طلبه سطح دو حوزه علمیه نورالهدی

مقدمه

اخلاق، زیربنای حیات انسانی و شاخص‌ترین عامل تمایز انسان از سایر موجودات است. در تمام مکاتب الهی و بشری، اخلاق به‌عنوان سنگ‌بنای کمال فردی و اجتماعی شناخته شده و معیار سنجش ارزش‌های انسانی قرار گرفته است. جامعه‌ای که از ارزش‌های اخلاقی تهی گردد، دیر یا زود در دام خودخواهی، بی‌عدالتی و فروپاشی ارزش‌ها گرفتار خواهد شد. در میان اندیشه‌های اخلاقی جهان، آموزه‌های اسلامی جایگاهی ممتاز دارد؛ زیرا در این مکتب، اخلاق نه تنها یک نظام توصیه‌ای، بلکه حقیقتی وجودی و هماهنگ با فطرت انسان است. اسلام اخلاق را محور حیات فردی، خانوادگی، سیاسی و اجتماعی قرار داده و آن را ضامن عدالت، معنویت و رشد جامعه دانسته است. در میان منابع اسلامی، نهج‌البلاغه به‌عنوان گنجینه‌ای از حکمت، سیاست و اخلاق، جایگاه ویژه‌ای دارد. سخنان امام علی(ع) در این کتاب، تلفیقی از عقل و وحی، و پیوندی میان معنویت و مدیریت است. امام علی(ع) اخلاق را نه در قالب مفاهیم انتزاعی، بلکه در متن زندگی سیاسی و اجتماعی تبیین کرده است. از نگاه او، حکومت تنها وسیله‌ای برای برقراری عدالت و اقامه حق است و مسئولان، امینان خدا بر مردم‌اند. از این‌رو، اخلاق برای مسئولان نه زینتی اختیاری، بلکه ضرورتی ذاتی در ماهیت مسئولیت است.

یکی از مهم‌ترین مسائل جوامع انسانی، چگونگی رفتار و منش اخلاقی مسئولان در مواجهه با قدرت، ثروت و مسئولیت است. تاریخ بشر مملو از نمونه‌هایی است که در آن، فاصله گرفتن حاکمان از اصول اخلاقی، زمینه‌ساز ظلم، تبعیض و سقوط حکومت‌ها شده است. در نقطه مقابل، هر جا اخلاق بر ساختار قدرت حاکم شده، عدالت و امنیت اجتماعی برقرار گردیده است. در جهان معاصر نیز، بحران اعتماد عمومی و گسترش فساد اداری و سیاسی، نشان از ضعف بنیادهای اخلاقی در نظام‌های مدیریتی دارد. از این‌رو، بازگشت به منابع اصیل دینی و بازخوانی الگوی اخلاقی حاکمان از منظر نهج‌البلاغه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

امام علی(ع) در نهج‌البلاغه الگویی جامع از حکومت اخلاق‌محور ارائه می‌دهد که در آن، زمامدار باید پیش از هر چیز، خویش‌نهاد، متقی و حق‌مدار باشد. از نگاه او، قدرت بدون اخلاق به استبداد می‌انجامد و اخلاق بدون قدرت نیز در تحقق عدالت ناکام می‌ماند. بنابراین، پیوند میان قدرت و اخلاق در اندیشه علوی، پیوندی دوسویه و حیاتی است. امام علی(ع) حاکم را نه ارباب مردم، بلکه

خدمتگذار آنان می‌داند و تأکید می‌کند که مسئولیت نوعی امانت الهی است. چنین نگاهی، اساس نظام اخلاقی حکومت اسلامی را شکل می‌دهد و می‌تواند الگویی برای نظام‌های مدیریتی معاصر باشد.

موضوع اخلاق مسئولان از دیدگاه نهج‌البلاغه، از آن جهت اهمیت دارد که هم به بنیان‌های معرفتی دین مربوط می‌شود و هم به کارآمدی نظام‌های اجتماعی. اخلاق در ساحت حکومت‌داری، عامل توازن میان قدرت و عدالت است. در جامعه‌ای که مدیران آن به اصول اخلاقی پایبند باشند، روابط اجتماعی بر پایه اعتماد، عدالت و همدلی استوار می‌گردد. اما اگر اخلاق از عرصه قدرت حذف شود، بی‌عدالتی، تبعیض و فساد جای آن را می‌گیرد و مشروعیت سیاسی و دینی حکومت از میان می‌رود. ضرورت پرداختن به این موضوع از چند جهت قابل تبیین است. نخست آن‌که، در شرایط کنونی جوامع اسلامی، بازسازی اعتماد عمومی و اصلاح ساختارهای مدیریتی نیازمند بازگشت به آموزه‌های اخلاقی است. دوم، نهج‌البلاغه به‌عنوان میراثی ماندگار از امام عدالت، مجموعه‌ای از رهنمودهای دقیق درباره صفات و رفتارهای اخلاقی مسئولان در اختیار می‌گذارد که می‌تواند مبنای نظری برای تدوین الگوی بومی اخلاق حکمرانی اسلامی باشد. سوم، بررسی این اصول نه تنها از منظر تاریخی، بلکه از جهت کاربست عملی در نظام اداری و سیاسی امروز اهمیت دارد.

از سوی دیگر، در عرصه علوم انسانی و مدیریت اسلامی، تبیین مبانی نظری اخلاق سیاسی و اداری یکی از نیازهای اساسی است. هرگونه تحول در ساختار حکومت و نظام اجتماعی بدون بازسازی مبانی اخلاقی، به نتیجه مطلوب نخواهد رسید. اخلاق در نهج‌البلاغه نه امری شخصی، بلکه مبنایی برای عدالت اجتماعی و بقای حکومت عادلانه است. امام علی(ع) بارها تأکید می‌کند که مردم، آینده‌ی زمامداران‌اند؛ اگر حاکمان پاک‌دست و متقی باشند، جامعه نیز به سمت صلاح و عدالت حرکت می‌کند.

پرسش محوری این پژوهش آن است که اصول اخلاقی مسئولان جامعه از دیدگاه نهج‌البلاغه چیست و این اصول چه جایگاهی در نظام اخلاقی و سیاسی اسلام دارند؟

مطالعه‌ی نهج‌البلاغه و استخراج آموزه‌های اخلاقی آن همواره یکی از حوزه‌های مورد توجه اندیشمندان اسلامی بوده است. با این حال، بسیاری از آثار گذشته بیشتر به کلیات اخلاق یا ابعاد

فردی آن پرداخته‌اند و کمتر پژوهشی به صورت نظام‌مند به اصول اخلاقی ویژه مسئولان پرداخته است.

در پژوهش‌های موجود، برخی به تبیین مبانی اخلاق اجتماعی و تربیتی در نهج‌البلاغه پرداخته‌اند و گروهی دیگر جنبه‌های مدیریتی و نظارتی حکومت علوی را بررسی کرده‌اند. در این میان، کاستی اصلی در اغلب آثار، فقدان نگاه فلسفی و تحلیلی به پیوند میان اخلاق و مسئولیت است. بررسی متون نشان می‌دهد که در آثار گذشته، گاه اخلاق به سطح رفتارهای فردی فروکاسته شده و جنبه‌های معرفتی و الهی آن در حوزه مدیریت نادیده گرفته شده است. در حالی که امام علی(ع) اخلاق را به منزله حقیقتی درونی می‌نگرد که باید در تصمیم‌گیری‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و تعاملات اجتماعی نیز حضور داشته باشد. این مقاله تلاش دارد با رویکردی تحلیلی و نظام‌مند، اصول اخلاقی مسئولان را از منظر امام علی(ع) استخراج و دسته‌بندی کند تا چارچوبی نظری برای اخلاق حکمرانی اسلامی ارائه دهد.

اخلاق در نگاه امام علی(ع) جوهره‌ی همه‌ی رفتارها و پایه‌ی عدالت اجتماعی است. حکومت از دیدگاه او، وسیله‌ای برای خدمت به مردم و اقامه‌ی حق است، نه ابزار سلطه و قدرت‌نمایی. مسئولان جامعه، به عنوان حاملان امانت الهی، باید در پرتو اصول اخلاقی چون تقوا، عدالت، اخلاص، صداقت، و فروتنی عمل کنند تا هم در برابر خداوند مسئول باشند و هم در برابر مردم پاسخگو. پژوهش حاضر با تکیه بر نهج‌البلاغه، در پی تبیین اصول اخلاقی مسئولان جامعه و بازشناسی جایگاه آن‌ها در نظام فکری امام علی(ع) است. این پژوهش ضمن واکاوی مفهوم اخلاق و مسئولیت، تلاش خواهد کرد تا با تحلیل متن نهج‌البلاغه، ده اصل اخلاقی بنیادین در حکمرانی علوی را استخراج نماید و نشان دهد که چگونه این اصول می‌تواند الگویی برای مدیریت عادلانه و اخلاق‌محور در جامعه معاصر باشد.

۱. مفهوم‌شناسی

هر پژوهش علمی، پیش از ورود به مباحث محتوایی، نیازمند تبیین دقیق مفاهیم بنیادین است تا از ابهام در استدلال و برداشت جلوگیری شود. در این بخش، مفاهیم کلیدی چون «اخلاق» و «مسئولیت» از دو منظر لغوی و اصطلاحی بررسی می‌شوند تا چارچوب مفهومی لازم برای تحلیل

اصول اخلاقی مسئولان در نهج‌البلاغه فراهم آید. بدین ترتیب، بنیان نظری مقاله بر پایه درک روشن از مفاهیم شکل می‌گیرد.

۱.۱. مفهوم لغوی و اصطلاحی اخلاق

واژه «اخلاق» از ریشه «خلق» گرفته شده و در اصل به معنای «سرشت، خوی، عادت و طبیعت درونی انسان» است. در منابع لغوی عربی، این واژه گاه به صورت مفرد «خُلُق» و گاه جمع آن «أَخْلَاق» آمده و ناظر به ملکات پایدار در نفس است که منشأ صدور رفتارهای ارادی می‌شود.^۱ در لغت، «خُلُق» به ظاهر انسان و «خُلُق» به باطن او اشاره دارد و تمایز میان آن دو، تمایز میان جسم و جان تلقی شده است.^۲ در فرهنگ فارسی نیز «اخلاق» به معنی «خوی‌ها، سجایا و عادات پسندیده یا ناپسندیده» آمده است.^۳

در نتیجه، معنای لغوی اخلاق همواره با ویژگی‌های پایدار درونی و نحوه‌ی تمایل انسان به خیر یا شر پیوند دارد. اخلاق در این معنا، صرفاً رفتار ظاهری نیست، بلکه حالتی نفسانی است که رفتار را از درون سامان می‌دهد. بنابراین، اگر این حالت نفسانی در جهت خیر و فضیلت شکل گیرد، خُلُق نیک و اگر در جهت شر و رذیلت باشد، خُلُق ناپسند نامیده می‌شود.

در معنای اصطلاحی، اخلاق دانشی است که درباره ملکات نفسانی و چگونگی پیدایش، اصلاح و تعدیل آن‌ها سخن می‌گوید. در اصطلاح علمای اخلاق اسلامی، این دانش «علمی است که از صفات نفسانی، کیفیات ثابت روحی و چگونگی تهذیب و تزکیه نفس بحث می‌کند تا انسان را به سعادت واقعی برساند».^۴ در این تعریف، اخلاق ناظر به باطن انسان است و رفتار ظاهری را نتیجه‌ی آن می‌داند.

در متون فلسفی و عرفانی اسلامی، اخلاق نه صرفاً مجموعه‌ای از فضایل و رذایل، بلکه نظامی از ارزش‌های الهی است که هدف آن رساندن انسان به کمال نهایی است. در این دیدگاه، انسان با تهذیب نفس، از مرتبه حیوانی به مقام انسانی و از آن جا به مقام قرب الهی می‌رسد. بنابراین، اخلاق

^۱ ابن‌منظور، لسان العرب، ج ۲، ص ۲۵۳

^۲ فیروزآبادی، القاموس المحيط، ج ۳، ص ۱۷۴

^۳ دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، ج ۵، ص ۴۵۸؛ عمید، فرهنگ فارسی عمید، ص ۶۳۱

^۴ مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، ج ۱، ص ۵۹

فاصله‌ای ایجاد نشود. او تأکید می‌کرد که دلبستگی به دنیا ریشه‌ی همه‌ی انحرافات و هر که دنیا را بر حق مقدم دارد، از عدالت فاصله گرفته است.^۱

زهد در نهج‌البلاغه، نوعی آزادی درونی است. مسئول زاهد، از طمع، ریا و مقام‌طلبی رهاست و در تصمیم‌گیری‌هایش تنها رضای الهی را می‌جوید. چنین فردی، در برابر فشارهای سیاسی یا اقتصادی تسلیم نمی‌شود و استقلال اخلاقی خود را حفظ می‌کند. این ویژگی، ضامن سلامت ساختار حکومت و مانع نفوذ منافع شخصی در سیاست است.^۲

از دید امام علی(ع)، زهد عامل عزت و استحکام حکومت است. جامعه‌ای که رهبرانش زاهد باشند، از فساد مالی و تبعیض طبقاتی مصون خواهد ماند. بنابراین، زهد نه تنها فضیلت فردی بلکه ضرورت اجتماعی و سیاسی است.^۳

۲,۹. حلم و بردباری در تصمیم‌گیری

امام علی(ع) در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «الْحِلْمُ غِطَاءٌ سَاتِرٌ، وَالْعَقْلُ حُسَامٌ قَاطِعٌ، فَاسْتُرْ خَلْلَ خُلُقِكَ بِحِلْمِكَ...»؛ ترجمه: «بردباری پوششی است پرده‌دار، و خرد، شمشیری است بُرّان؛ پس کاستی خُلق خویش را با حلمت بپوشان...».^۴

بردباری و حلم از دیگر اصول اساسی اخلاق حاکمان در نهج‌البلاغه است. امام علی(ع) حلم را نشانه‌ی خرد و نشانه‌ی پختگی در ایمان می‌داند. مسئول بردبار کسی است که در مواجهه با بحران‌ها و انتقادات، شتاب‌زده تصمیم نمی‌گیرد و از خشم یا احساسات تأثیر نمی‌پذیرد. در نگاه امام، حلم مقدمه‌ی عدالت است، زیرا تصمیم‌گیری بدون صبر، زمینه‌ساز ظلم و بی‌انصافی می‌شود.^۵

در نهج‌البلاغه، حلم با عقل و تقوا پیوند دارد. حاکم باید در برابر ناملازمات مردم، رفتارهای ناپسند کارگزاران و فشارهای سیاسی صبور باشد تا بتواند حق را از باطل جدا کند. شتاب در داوری، ریشه‌ی بسیاری از خطاهای سیاسی است و حکومت بدون حلم، به خودکامگی نزدیک می‌شود.^۶

^۱ مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۳، ص ۲۱۲

^۲ رونیسی، اصول اخلاقی سرمایه اجتماعی از منظر آموزه‌های نهج‌البلاغه، ص ۲۰۴

^۳ گازر، اصول اخلاقی تربیت متعاطیان حکمرانی اسلامی از منظر نهج‌البلاغه، ص ۱۰۹

^۴ نهج‌البلاغه، حکمت ۴۲۴.

^۵ مطهری، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، ص ۲۸۶

^۶ مصباح یزدی، نقد و بررسی نهج‌البلاغه، ص ۹۸

بردباری در تصمیم‌گیری به معنای ناتوانی نیست، بلکه بیانگر تسلط بر خویشتن و عقلانیت در رفتار است. در نظام علوی، حلم عاملی برای تثبیت اعتماد عمومی و پیشگیری از درگیری‌های داخلی بود. امام علی(ع) بارها تأکید می‌کند که مسئول نباید با هر انتقاد یا اشتباه زیردستان برخورد تند کند، بلکه باید فرصت اصلاح و توبه را فراهم آورد.^۱

بنابراین، حلم در نهج‌البلاغه نه تنها فضیلتی اخلاقی بلکه راهبردی مدیریتی است که موجب آرامش اجتماعی و استحکام ساختار قدرت می‌شود.^۲

۲،۱۰. شکرگزاری و یاد خدا در قدرت

امام علی(ع) در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «إِذَا وَصَلَتْ إِلَيْكُمْ أَطْرَافُ النَّعْمِ فَلَا تُنْفَرُوا أَقْصَاهَا بِقِلَّةِ الشُّكْرِ»؛ ترجمه: «چون سرآغاز نعمت‌ها به شما رسید، با کمی شکرگزاری دنباله آن را مگریزانید».^۳

آخرین اصل از اصول اخلاقی امام علی(ع)، شکرگزاری و یاد خدا در هنگام قدرت است. قدرت، در نگاه نهج‌البلاغه، امتحانی الهی است که تنها با یاد خدا می‌توان از لغزش‌های آن در امان ماند. امام علی(ع) بارها هشدار می‌دهد که فراموشی خدا، آغاز فساد در حکومت است. مسئول مؤمن باید همواره به یاد داشته باشد که قدرت از آن خداست و او تنها امانت‌دار است.^۴

شکرگزاری در قدرت، به معنای استفاده درست از نعمت مسئولیت برای خدمت به مردم است. شکر حقیقی در اندیشه امام، عمل صالح است، نه صرف گفتار. زمامدار شاکر کسی است که قدرت را ابزار عدالت و خیر عمومی قرار می‌دهد و از غرور و خودکامگی می‌پرهیزد. یاد خدا، مانع فراموشی وظیفه و زمینه‌ساز اخلاص در عمل است.^۵

در نهج‌البلاغه، امام علی(ع) حاکمان را به ذکر و شکر در همه حال دعوت می‌کند تا از غفلت و استبداد مصون بمانند. او یادآور می‌شود که شکر نعمت، موجب دوام آن است و ناسپاسی، موجب زوال آن. از این‌رو، هر مسئول باید نعمت قدرت را با خدمتگزاری و عدالت پاس دارد.^۶

^۱ بهشتی، تبیین مبانی و اصول تربیت اجتماعی در نهج‌البلاغه، ص ۳۰

^۲ رعایایی، راهکارهای رفتاری ارتقای سلامت اداری با تأکید بر نهج‌البلاغه، ص ۱۴۸

^۳ نهج‌البلاغه، حکمت ۱۳.

^۴ مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، ج ۲، ص ۲۸۵

^۵ مطهری، عدل الهی، ص ۱۷۳

^۶ پروانه، نهج‌البلاغه معجزه‌های وصف‌ناپذیر در اصول اخلاق حرفه‌ای، ص ۱۳۸

یاد خدا در قدرت، عامل اصلی تواضع و کنترل نفس است. مسئول ذاکر، خود را در برابر خداوند مسئول می‌بیند و هیچ تصمیمی را بدون توجه به حق و عدالت اتخاذ نمی‌کند. در نتیجه، حکومت یادمحور، حکومتی اخلاقی، مردمی و پایدار خواهد بود.^۱

نتیجه‌گیری

اخلاق در نهج‌البلاغه جوهره‌ی حیات انسانی و اساس مشروعیت حکومت است. امام علی (ع) در این اثر گران‌سنگ، سیاست را از اخلاق جدا نمی‌داند و قدرت را امانتی الهی می‌شمارد که باید در خدمت عدالت و کرامت انسان به کار گرفته شود. بر اساس تعالیم علوی، حاکم یا مسئول، پیش از آن‌که مدیر جامعه باشد، باید انسان اخلاقی و بنده‌ی خدا باشد تا بتواند در مسیر حق گام بردارد و جامعه را از لغزش‌های قدرت مصون دارد.

اصول اخلاقی استخراج‌شده از نهج‌البلاغه، از جمله تقوا، عدالت، اخلاص، صداقت، امانت‌داری، تواضع، خیرخواهی، زهد، حلم و شکرگزاری، ساختار معنوی و ارزشی یک نظام الهی را تشکیل می‌دهند. این اصول، چارچوبی جامع برای رفتار مسئولان ارائه می‌کنند که در آن، ایمان و تقوا محور تصمیم‌گیری و عدالت، معیار سنجش قدرت است. پایبندی به این ارزش‌ها نه تنها سلامت حکومت را تضمین می‌کند، بلکه اعتماد و مشارکت مردم را نیز تقویت می‌سازد.

در سیره‌ی امام علی (ع)، اخلاق و مسئولیت دو روی یک حقیقت‌اند. هر مسئول در برابر خدا و مردم پاسخ‌گوست و هرگونه انحراف از اصول اخلاقی، نوعی خیانت به امانت الهی محسوب می‌شود. در این نگرش، قدرت وسیله‌ای برای خدمت است نه هدفی برای سلطه. بر همین اساس، الگوی حکمرانی علوی می‌تواند به عنوان یک نظام اخلاقی پویا برای همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

آموزه‌های اخلاقی نهج‌البلاغه، شالوده‌ای برای بازسازی اخلاق حکمرانی در دنیای معاصر فراهم می‌کند. با بازگشت به این اصول، می‌توان الگویی از مدیریت انسانی، شفاف و معنوی ارائه کرد که در آن عدالت اجتماعی، پاسخ‌گویی و معنویت سیاسی تحقق یابد. چنین الگویی نه تنها راهنمای مدیران مسلمان است، بلکه می‌تواند برای تمام نظام‌های اخلاق‌محور الهام‌بخش باشد.

^۱ رونمایی، اصول اخلاقی سرمایه اجتماعی از منظر آموزه‌های نهج‌البلاغه، ص ۲۰۶

فهرست منابع و مآخذ

الف) کتاب‌ها

۱. ابن‌منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۲. فیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب، القاموس المحیط، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
۳. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۴. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۹.
۵. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران: انتشارات صدرا، چاپ اول.
۶. مطهری، مرتضی، عدل الهی، تهران: انتشارات صدرا، چاپ اول.
۷. مطهری، مرتضی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، تهران: انتشارات صدرا، چاپ اول.
۸. مصباح یزدی، محمدتقی، اخلاق در قرآن، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول.
۹. مصباح یزدی، محمدتقی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول.
۱۰. مصباح یزدی، محمدتقی، نقد و بررسی نهج‌البلاغه، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول.

ب) مقالات

۱. بهشتی، سعید؛ افخمی اردکانی، محمدعلی، «تبیین مبانی و اصول تربیت اجتماعی در نهج‌البلاغه»، تربیت اسلامی، سال ۱۳۸۶، دوره ۲، شماره ۴، صص ۷-۳۹.
۲. پروانه، منیره؛ اسدیان، افسانه، «نهج‌البلاغه معجزه‌ای وصف‌ناپذیر در اصول اخلاق حرفه‌ای»، همایش دانشگاهی پژوهش در حوزه‌های اداری و مالی نظام سلامت، سال ۱۳۹۵، دوره ۳.
۳. رعایایی، مهدی؛ داوودآبادی فراهانی، محسن، «راهکارهای رفتاری ارتقای سلامت اداری با تأکید بر نهج‌البلاغه»، مدیریت دانش اسلامی، سال ۱۴۰۱، دوره ۴، شماره ۱ (پیاپی ۷)، صص ۱۳۰-۱۵۹.

۴. رونیاسی، محمدرضا؛ احمدی، سیدعلی اکبر؛ حسینی، سیدحمید؛ حمیدی، کامبیز، «اصول اخلاقی سرمایه اجتماعی از منظر آموزه‌های نهج‌البلاغه»، اخلاق در علوم و فناوری، سال ۱۴۰۲، دوره ۱۸، شماره ۲، صص ۲۰۱-۲۰۸.
۵. گازر، امیرحسین؛ علیپور، محمدحسین، «اصول اخلاقی تربیت متعاطیان حکمرانی اسلامی از منظر نهج‌البلاغه»، دولت‌پژوهی ایران معاصر، سال ۱۴۰۱، دوره ۸، شماره ۲، صص ۸۵-۱۲۱.
۶. محمدی، محمد، «نظارت بر عملکرد کارگزاران (مسئولان نظامی و انتظامی) در نهج‌البلاغه»، بصیرت و تربیت اسلامی، سال ۱۳۹۷، دوره ۱۵، شماره ۴۵، صص ۱۰۳-۱۲۵.